

عنوان اثر: درآمدی بر نظریه‌های جامعه‌شناسی
(هفت مقاله درباره مبانی تاریخ اندیشه و نظریات جامعه‌شناختی)

مؤلف / مترجم: حسین ابوالحسن تنهایی
ناشر / سال نشر: خردمند / ۱۳۷۲ چاپ پنجم اثر (اول ناشر)

معرفی، نقد و بررسی

کتاب حاضر متشکل از هفت مقاله‌ای است که در این مجموعه در دسترس قرار دارد و شامل ده بخش از مباحثات نظری است که به استثنای یکی از آنها، همه به شکل‌های ابتدایی خود هر کدام در تیراژی بسیار محدود منتشر شده‌اند. مقاله مربوط به راس که در فصل پنجم آمده است، برای اولین بار چاپ و منتشر شده است. ولی صور اولیه مقدمات مربوط به کنت و اسپنسر (فصل‌های سوم و چهارم) و نقدی بر منتقدان و ترجمه نظریه لائر پیرامون دگرگونی‌ها و تغییرات اجتماعی (فصل هفتم) به شکل نشریه‌های ۲۰، ۳۱ و ۳۲ توسط بخش علوم اجتماعی دانشگاه شیراز هنگامی که نویسنده محترم در آنجا تدریس می‌نمودند، طی سال‌های ۴ - ۶۲ چاپ و منتشر شده است. مقاله‌های طبیعت انسانی از دیدگاه فرم و بلومر در فصل‌های ششم و هفتم نیز به عنوان جزوه درسی در دانشگاه شیراز و همچنین دانشگاه آزاد اسلامی کرمان چندین بار منتشر شده است. مقاله مربوط به فارابی و ابن‌خلدون و ضمیمه آنها، فصل‌های اول و دوم نیز در مجموع مقاله‌ای با عنوان جامعه‌شناسی فلسفی در سال ۱۳۶۷ جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید باهنر کرمان چاپ و منتشر کرد.

سایر آثار مشابه:

شناخت انواع اجتماعات از دیدگاه فارابی و ابن‌خلدون غلامعلی خوشرو

پیدایش نظریه‌های جامعه‌شناسی غلامرضا جمشیدیها
 کتاب حاضر از حیث محتوایی با سایر آثار نویسنده، به ویژه کتاب سیزده جستار در تاریخ جامعه‌شناسی مشابهت دارد و با کتاب‌های نامبرده در جدول تنها در بخش‌هایی از نظر موضوعی مشابه است.

بررسی شکلی

نثر کتاب ظاهری ادبی و روان دارد. اما در بسیاری از موارد، چندان که باید رسا و قابل فهم نیست و بیشتر به لفاظی و تکرار مضامین مورد نظر نویسنده در باب رابطه ذهن‌گرایی و عین‌گرایی، جدل، تفسیرگرایی و مفاهیمی از این دست می‌انجامد. برای نمونه نگاه کنید به:

- صفحه اول پیشگفتار: سطر ششم تا سیزدهم (نمونه جمله‌ای طولانی)
- صفحه دوم پیشگفتار، پاراگراف دوم، سطر آخر: «یکی اندیشمند آلمانی مارکوزه است و دیگری جامعه‌شناس گوشه‌رانده بعد از راس، سی رایت میلز»
- صفحه سوم پیشگفتار، پاراگراف اول، سطر ششم: «به‌ویژه اینکه دست ایام نیز تازیانه جفا را بیشتر می‌پسندد»
- صفحه ۴۱، سطر اول: «... یکی از پیش‌قراولان دانش اجتماعی به تحقیق و مشاهده پرداخت و پیرامون پویش‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع متفاوت فلسفید...»
- صفحه ۱۴۱، سطر اول، هربرت اسپنسر (۱۸۷۰ - ۱۹۰۳) از چاووش‌ها و پیشقراولان و بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی در سده نوزدهم، و از پیش‌پردازان نظریه مردم‌نگاری...»
- صفحه ۱۵۸، سطر دوم: «لازم است مفهوم تضاد را از دیدگاه اسپنسر با توجه بیشتری در ذهن داشته باشیم»
- صفحه ۱۵۸، سطر سوم: «تضاد به لحاظی که در قسمت فلسفه طبیعی و مابعدطبیعی او مطرح بود، حاکی از تغایرات بدیهی و طبیعی گونه‌گونی بود که می‌بایستی میان پدیده‌ها وجود می‌یافت؛ چه حرکت از تفاوت کمترین به جذب بیشترین، خود مستلزم رشد تضاد به‌معنایی که در جدل تکمیلی مطرح است می‌بود»

درآمدی بر نظریه‌های جامعه‌شناسی ۱۲۷

- صفحه ۱۵۸، پاراگراف آخر: «بدین روال اسپنسر تنها در حیطهٔ دنیای فلسفی در سایهٔ مولوی وامی‌ماند ولی در دنیای جامعه‌شناختی سخت از سنت اخلاق عرفانی روبرتافته و جنگ نامتعادل و نابرابری میان عناصر را لازم و ابدی شمرده و عین حق تلقی می‌نماید»

- صفحهٔ ۱۸۳، پاراگراف سوم، سطر دوم: «در این جریان به‌ویژه چگونگی پدیدآمدن فرآورده‌های اجتماعی، که خود درونی شده‌های عینی و یا کنش هستند، از کنش متقابل اجتماعی که راس مدعی آن بوده را به نقد کشیده، معتقد است که چگونگی آن تبیین نشده است»

در کتاب، اشکالات فراوانی در زمینهٔ استفاده همزمان از علامت «.» یا «و» و حرف عطف «و»؛ عدم استفاده از علامت «.» در مواقع لازم؛ غلط حروف نگاری؛ استفاده از فعل مشابه در یک جمله با فاصله‌ای اندک و عدم رعایت فاصلهٔ مناسب بین کلمات وجود دارد.

نمونه‌ای از کاربرد علامت «.» و «و» و حرف عطف «و»

- صفحهٔ ۵۷، پاراگراف آخر، سطر چهارم «خواهد شد. و بنابر این»
- صفحهٔ ۱۴۱، سطر دوم: «در سده نوزدهم، و»
- صفحهٔ ۱۵۹، سطر اول «ناویران شونده، و»
- صفحهٔ ۱۸۳، سطر آخر: «به‌وجود می‌آورند، و»

نمونه‌ای از اشتباه حروف نگاری

- صفحهٔ ۲۲، سطر سیزدهم «سیاستشان» به جای «سیاست‌شان»
- صفحهٔ ۵۰، سطر سوم، «به‌خاصر» به جای «به‌خاطر»
- صفحهٔ ۵۱، پاراگراف آخر، سطر سوم: «روزمرده» به جای «روزمره» و سطر نهم: «تناقضی» به جای «تناقضی»
- صفحهٔ ۵۷، پاراگراف دوم، سطر آخر: «بنابر این به‌لحاظ پویش تکاملی، دولت از نظر ابن‌خلدون سه مرحله جدا از پشت سر می‌گذارد» که کلمات «هم» و «را» بعد از کلمهٔ «از» تایپ نشده است.

- صفحه ۲۳۴، پاراگراف سوم، سطر دوم: روش شناختی، به اشتباه روشن شناختی نوشته شده است.
- صفحه ۱۹۶، cooperation به جای cooperation
عدم استفاده از علامت «،» در مواقع لازم
- صفحه ۱۵۸، سطر هفتم، بعد از کلمه «مطرح است»
صفحه‌آرایی کتاب خوب و مناسب است. اصول مربوط به سرصفحه و اندازه حاشیه‌ها و تفاوت فونت کلمات در تیتورها، متن اصلی، پاورقی و ... رعایت شده است. اما اندازه قلم در نظر گرفته شده برای شماره پانوشت‌ها کم است. اسامی و معادل‌های کلمات لاتین در پانوشت صفحه‌ها ذکر شده است. رسم‌الخط، قدیمی، صحافی کتاب معمولی و نوع کاغذ آن، گاهی و نامرغوب است. طرح روی جلد، نامناسب و با موضوع و عنوان کتاب همخوانی ندارد.
حجم کتاب (۲۶۴ صفحه)، صرف‌نظر از محتوای آن، برای یک درس ۲ واحدی مناسب است.

بررسی محتوایی

- علی‌رغم سابقه و توان نسبی نویسنده در مباحث نظریه‌ها، در بسیاری از موارد، نتوانسته است به خوبی اصطلاحات و مفاهیم تخصصی را به کار ببرد. نگاه کنید به:
- صفحه ۲۲، پاراگراف اول، سطر هفتم: «پس از این خواهیم دید به- شمار آورد». نسبت دادن اندیشه‌ها و مکاتبی که اصولاً محصول مجادلات و مباحثات فکری و نتیجه پیشرفت‌ها یا مجموعه رخدادهای علمی، صنعتی و سیاسی - اجتماعی قرون اخیر هستند و اصولاً داعیه مطالعه عینی، تجربی و بی‌طرفانه انسان و جامعه انسانی را به عنوان یک موضوع مورد مطالعه دارند، به فارابی یا نظایر ایشان که هرگز از این منظر به انسان و جامعه انسانی نمی‌نگرند و رویکردی جهت‌دار، ارزشی و اعتقادی دارند و در اصل در پی بیان راه سعادت و ساختن آرمان‌شهر می‌باشند، چندان موجه به نظر نمی‌رسد.
- صفحه ۴۲: «اجتهاد علمی بر همان روش تفکر باطنی دل بسته‌اند»
که در این جا خلط معنا صورت گرفته است.

درآمدی بر نظریه‌های جامعه‌شناسی ۱۲۹

- در مبحث ابن‌خلدون، استفاده از اصطلاحات ماده‌گرایی، طبیعت‌گرایی، تضادگرایی، کارکردگرایی ستیز، کارکردگرایی ساختی در کنار زیربنا دانستن اقتصاد و روبنا دانستن فرهنگ، با رویکردی قاطعانه و بدون موشکافی لازم و به‌خصوص در سطح کلی و بی‌توجه به مختصات این‌گونه مفاهیم نزد جامعه‌شناسان مدرن مشاهده می‌شود.

این درست است که به نحوی ابن‌خلدون بر شیوه معیشت یا نحوه‌ای از ستیز میان بادیه‌نشینان و شهرنشینان و عنصر عصبیت به عنوان عاملی انسجام‌بخش تأکید می‌کند، اما آیا مفاهیم پیش گفته را دقیقاً به معنایی که نزد جامعه‌شناسان مدرن بسط یافته است، استفاده می‌کند؟

در خصوص معادل‌سازی اصطلاحات تخصصی باید گفت، نویسنده محترم سعی داشته است تا حتی‌الامکان معادل‌های فارسی شده و از دید خود جالب یا بدیع را به کار برد. این کار در مواردی به ساختن یا استفاده از معادل‌های مناسب انجامیده است اما در همه موارد این‌گونه نیست و گاه معادل‌گذاری‌ها جنبه تصنعی به خود گرفته است. مانند: صفحه ۴۱، مقدمات روش‌شناختی (Methodological introduction)؛ صفحه ۲۲۳، کنش متقابل‌گرایی و طبیعت انسانی (Interactionism and human nature)؛ صفحه ۲۳۲، چشم‌انداز بلومری (perspective Blumerian)؛ صفحه ۴۱، پویش‌های اجتماعی در برابر Social process؛ صفحه ۵۷، پاراگراف دوم، سطر آخر، پویش تکاملی؛ صفحه ۱۴۱، هم‌سنجی گونه در مقابل «comparative» و «اندام‌واره‌بینی» در برابر organismic؛ صفحه ۱۸۱، سطر پنجم، اندیشه‌های کلان‌گرا؛ صفحه ۲۳۵، نقش گرفتن در برابر role taking و نقش بازی کردن در مقابل Role playing؛ صفحه ۲۳۸، کنش متقابل نانمادی (non-symbolic interactionism)؛ صفحه ۲۵۲، بی‌سامانی اجتماعی (Anomie)؛ صفحه ۲۵۲، نانفی‌گرایی (non-antagonistic).

برای تفهیم موضوع از ابزارهایی مانند: طرح بحث مقدماتی، نتیجه‌گیری، مقایسه، ذکر مثال، چند مورد نمودار و جدول و آوردن ضمایم در کتاب دیده می‌شود. مانند صفحات ۱۲، ۳۲، ۳۴، ۷۵، ۱۱۶، ۱۶۰، ۲۳۹ تا ۲۶۱.

بر اساس مقدمه ناشر، «کتاب حاضر به عنوان منبع درسی برای دروس نظریه‌های جامعه‌شناسی، تغییرات اجتماعی و تاریخ تفکر اجتماعی مسلمین در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد گرایش‌های مختلف علوم اجتماعی کاربرد دارد؛ اما باید گفت، این کتاب به گونه‌ای نوشته شده است که به نظر می‌رسد بیشتر با دو درس «نظریه‌های جامعه‌شناسی (۱)» و «تاریخ تفکر اجتماعی» متناسب باشد. اما اهداف هیچ کدام از آنها را کاملاً پوشش نمی‌دهد.

چون در عنوان اثر، به کلمه «درآمدی» اشاره شده که حاکی از نوعی تمهید مقدمات و زمینه‌چینی است و در ادامه عنوان هم کلمه «مبانی» آمده است، می‌توان گفت، محتوای اثر با عنوان آن (**درآمدی** بر نظریه‌های جامعه‌شناسی - هفت مقاله در باب **مبانی** تاریخ اندیشه و نظریات جامعه‌شناختی) انطباق نسبی دارد.

مطالب کتاب، با سرفصل هیچ کدام از دروس «تاریخ تفکر اجتماعی» و «نظریه‌های جامعه‌شناسی (۱)»، مطابقت کامل ندارد و در مواردی هم از سرفصل این دروس فراتر می‌رود.

به عنوان یک منبع کمکی (به شرط داشتن رویکرد انتقادی) در دو درس «تاریخ تفکر اجتماعی» و «نظریه‌های جامعه‌شناسی (۱)»، قابل استفاده است. همچنین برای آشنا شدن با افکار و اندیشه‌های مید، فروم و راس مفید است اما در کنار سایر منابعی که در این دو زمینه وجود دارد، نمی‌تواند منبع اصلی یا منحصر به فرد محسوب شود.

از آنجایی که کتاب ماهیت نظری دارد و حاوی داده‌های آماری پیرامون واقعیت‌های عینی نیست، در مورد میزان روزآمدی داده‌ها و اطلاعات اثر باید به گونه‌ای دیگر نظر داد.

رویکرد خاص نویسنده و بازبایی و تشریح مفاهیم و اصطلاحاتی که نزد جامعه‌شناسان مدرن دیده می‌شود، در اندیشه متفکران گذشته جزء نوآوری کتاب محسوب می‌شود.

کتاب در کل و به‌خصوص در درون هر فصل نظم نسبی دارد. به‌خصوص اگر بینش نویسنده را بپذیریم. در غیر این صورت، می‌توان نسبت به تناسب فصول و آوردن اندیشه‌های متفکران کلاسیک و مدرن در کنار هم و

درآمدی بر نظریه‌های جامعه‌شناسی ۱۳۱

حذف برخی از جامعه‌شناسان و اندیشمندان دیگر ایرادهایی را از حیث انسجام بر کتاب وارد کرد.

به طور کلی کتاب فاقد فهرست منابع است و ارجاعات در انتهای هر فصل به عنوان کتاب‌نامه نقل شده‌اند. اما به طور آشکار نویسنده مطالب را گزینشی آورده است و از بسیاری منابع استفاده نشده است.

دقت در استنادات و ارجاعات اثر در حد متوسط است. در مواردی دیده شده است که منبع مطالب روشن نیست. در مواردی هم مشخص نیست آنچه نویسنده می‌گوید، بیان خود اوست یا ترجمه آزاد و اقتباسی از منبعی که به نحو کلی به آن اشاره شده است.

با اینکه نویسنده کتاب، همواره مدافع نوعی رویکرد طبیعت‌گرایی و تفسیرگرایی جدلی و تأکید بر تضاد و تناقض‌های اجتماعی است، اما مدعی و طرفدار بینش‌های عرفانی «وحدت وجودگرا» و «جهت‌گیری الهی یا مذهبی» است.

نویسنده کوشیده است نوعی رویکرد همسو با فرهنگ و ارزش‌های اسلامی را ارائه دهد. البته برداشت او در مورد انسان به عنوان موجودی شرور و یا به طور کل بینش نویسنده راجع به اسلام عمدتاً رنگ و بوی عرفانی و تأثیر پذیرفته از بینش اهل تصوف دارد که این امر را نویسنده پنهان نمی‌کند. در ابتدای کتاب و در بخش‌هایی از متن ارجاعاتی وجود دارد که نشان دهنده این مسئله است. در مواردی هم که با مقایسه میان اندیشه‌های متفکرانی مثل: «ابن‌خلدون و مارکس» یا «فروم و مارکس» سعی می‌کند ارتباطاتی را برقرار کند، اینجا و آنجا بر این امر تأکید می‌کند که شباهت‌هایی که بین اندیشه‌های متفکران مسلمان و برخی از اندیشمندان غربی مثل مارکس قائل است، به معنای یکی بودن آنها نیست.

کتاب ماهیت نظری دارد و به شناخت دیدگاه‌های نظری چند تن از متفکران کمک می‌کند و به طور مستقیم ابعاد سازنده یا مخرب سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ندارد. البته اگر دیدگاه او را در تلفیقی که بین اندیشه‌های متفکران مسلمان و غربی یا مقایسه آنها در مواردی با توجه به تأکیدات خاص

نویسنده بپذیریم، می‌توان به نوعی جهت‌گیری تلفیقی از ارزش‌ها و دیدگاه‌های دینی و جامعه‌شناسانه دست یافت.

پیشنهادها

به طور کلی، همان‌طور که قبلاً هم گفته شد، از این اثر می‌توان به عنوان یک منبع کمکی در دو درس «نظریه‌های جامعه‌شناسی (۱)» و «تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام» (به شرط داشتن رویکرد انتقادی) استفاده کرد. همچنین برای آشنا شدن با افکار و اندیشه‌های مید، فروم و راس مفید است اما در کنار سایر منابعی که در این دو زمینه وجود دارد، نمی‌تواند منبع اصلی یا منحصر به فرد محسوب شود. لذا بهتر است در تجدید چاپ کتاب به موارد زیر توجه شود:

- الف - ویراستاری ادبی و تخصصی
- ب - افزودن فهرست منابع، اعلام و موضوعی
- ج - دقت در استنادات و ارجاع‌دهی
- د - استفاده از کاغذ مرغوب و صحافی مناسب

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی